

نویسنده: آیدن سیماردون «Aidan Simardone».

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-05-29».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

اریتره با شکستن مهار غرب در دریای سرخ، به ایران، روسیه و چین می‌رود

*Eritrea breaks west's Red Sea chokehold,
pivots to Iran, Russia, China*

تل آویو یکی دیگر از شرکای خود در دریای سرخ را از دست داد: اریتره به عنوان یک گره حیاتی در پیوند چندقطبی رو به رشد اوراسیا ظاهر می‌شود و برنامه‌های آمریکا و اسرائیل برای کنترل منطقه‌ای را به چالش می‌کشد.

Tel Aviv loses another Red Sea partner: Eritrea emerges as a critical node in the rising Eurasian multipolar nexus, defying US-Israeli plans for regional control.



عکاسی توسط کریدل

اریتره، یک کشور کوچک آفریقایی در کنار دریای سرخ، دوباره مورد توجه غرب قرار گرفته است. در ماه ژانویه، مایکل روبین از موسسه امریکن انترپرایز (AEI) خواستار تغییر رژیم در کشوری شد که او آن را «کره شمالی آفریقا» نامید. هآرتص در مقاله‌ای

مشابه، اریتره را به عنوان نما بنده ایران و تهدیدی برای ایالات متحده معرفی کرد. رسانه اسرائیلی Ynet حتی نیروهای متحد انصارالله در یمن را به گسترش نفوذ به اریتره متهم کرد.

این هشدارهای ناگهانی ارتباط چندانی با حقوق بشر ندارند - به هر حال، چنین انتقاداتی متوجه عربستان سعودی نیست که درست در آن سوی دریای سرخ و در کنار سواحل اریتره قرار دارد. بلکه، این وحشت ناشی از ترس از دست رفتن کنترل غرب بر دریای سرخ است. اریتره که زمانی شریک نزدیک اسرائیل بود، از سال ۲۰۲۰ به سمت چین، روسیه و ایران چرخش کرده است. و تنها نیست. طبق گزارش‌ها، سودان به روسیه و ایران اجازه دسترسی نظامی به بندر سودان را می‌دهد، در حالی که جیبوتی با چین همکاری می‌کند. بنابراین هرگونه تلاشی برای بی‌ثبات کردن **اسمره** می‌تواند در سراسر شاخ آفریقا طنین‌انداز شود و نفوذ رو به کاهش واشنگتن را تهدید کند.

اریتره و ایالات متحده

اریتره از زمان استقلال در سال (1993)، روابط پرتنش با واشنگتن داشته است. همکاری‌های اولیه - از جمله مشارکت در ابتکار عمل ایالات متحده در خط مقدم علیه سودان، که اسمره آن را به مسلح کردن جهاد اسلامی اریتره متهم کرد - پس از آنکه **ایسایاس آفورکی**، رئیس‌جمهور اریتره، پیشنهاد اتحاد نزدیک‌تر را مطرح کرد، که رد شد، رو به افول گذاشت.

در آن زمان، ایالات متحده که از قبل با **جیبوتی** و **یمن** متحد بود، هیچ نیاز استراتژیکی برای یک شریک دیگر در دریای سرخ نمی‌دید و تصمیم گرفت از رقیب اریتره، اتیوپی، حمایت کند.

جنگ کوتاهی با یمن در سال ۱۹۹۵ بر سر جزایر حنیش، آنها ماتی را مبنی بر حمایت اسرائیل از اریتره به دنبال داشت. در حالی که روابط با تل‌آویو شکوفا شد، روابط با واشنگتن رو به وخامت گذاشت. تا سال ۲۰۰۵، اسمره در واکنش به افزایش حمایت واشنگتن از اتیوپی در جریان جنگ موسوم به جنگ علیه تروریسم و عدم پایداری آن به توافق صلح الجزایر، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) را اخراج کرده بود. با این وجود، اریتره همچنان پیشنهاد میزبانی یک پایگاه آمریکایی را داد و حتی نیروهای را به عراق اعزام کرد.

اما ایالات متحده که در آن زمان کاملاً در جیبوتی مستقر بود، اریتره را قابل صرف نظر کردن می‌دانست. در سال ۲۰۰۹، شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل عدم خروج نیروهای اریتره از جیبوتی و حمایت ادعایی آن از الشباب، متحد القاعده، تحریم‌هایی را علیه این کشور اعمال کرد. این تحریم‌ها حتی پس از آنکه اریتره این حمایت را متوقف و از این کشور خارج شد، ادامه یافت.

اسمره در انزوا به تهران روی آورد و از برنامه هسته ای غیرنظامی ایران حمایت کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) دسترسی به بندر **عصب**، یک مکان استراتژیک در نزدیکی یمن، را اعطا کرد. این امر به ایران اجازه داد تا حرکات دریایی غرب را زیر نظر داشته باشد و ظاهراً به اریتره حمایت مالی ارائه می‌داد.

با این حال، اریتره همچنان بی سروصدا به دنبال جلب نظر اسرائیل بود. در سال ۲۰۱۲، اندیشکده تحلیل ریسک آمریکایی استراتفور تأیید کرد که تل‌آویو تأسیسات نظارتی در اریتره دارد و در سال ۲۰۱۶ پایگاه دومی برای ردیابی جنبش انصارالله یمن به آن اضافه شد. اما جنگ ۲۰۱۵ به رهبری عربستان و امارات علیه یمن باعث شد که اریتره روابط خود را با ایران قطع کند و در عوض با امارات متحده عربی علیه دولت مقاومت در صنعا متحد شود. عصب به یک قطب لجستیکی تبدیل شد و اریتره حتی ۴۰۰ سرباز را مستقر کرد - که به طور قابل توجهی به دستاوردهای میدانی امارات کمک کرد.

جدایی از غرب

تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸ پس از توافق صلح اریتره با اتیوپی لغو شد، اما آشتی با غرب کوتاه مدت بود. در سال ۲۰۲۰، اسمره سفیر جدید اسرائیل را بدون هیچ توضیحی رد کرد. در همان سال، دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اریتره را در «ممنوعیت ورود مسلمانان» خود قرار داد و امارات متحده عربی جنبه‌های آشکار کمپین نظامی خود در یمن را کاهش داد و در سال ۲۰۲۱ از اریتره خارج شد.

در همین حال، چین وارد عمل شد. پکن، حامی دیرینه استقلال اریتره، سرمایه‌گذاری را حتی در زمانی که کووید-۱۹ تجارت جهانی را مختل کرده بود، افزایش داد. تجارت دوجانبه به بالاترین حد خود رسید و اریتره شروع به تغییر جهت به سمت قدرت‌های اوراسیا کرد.

این تغییر با ادامه تجاوز غرب در منطقه شتاب گرفت.

در سال ۲۰۲۱، اسرائیل با حمله به یک کشتی ایرانی در آب‌های اریتره، حاکمیت اریتره را نقض کرد. واشنگتن تحریم‌ها را دوباره اعمال کرد - این بار، ظاهراً به دلیل نقش اریتره در جنگ تیگرای. در سال ۲۰۲۲، اسرائیل سفارت خود در اسمره را تعطیل کرد و کنست (پارلمان اسرائیل) قانونی را تصویب کرد که مهاجران اریتره ای حامی دولت خود را برای اخراج هدف قرار می‌داد. در همین حال، اسرائیل و اتیوپی مذاکرات سطح بالایی را برای تعمیق روابط برگزار کردند.

اریتره اکنون بر محور خود دو برابر شده است و به یکی از تنها پنج کشوری تبدیل شده است که با قطعنامه ۲۰۲۲ سازمان ملل متحد در محکومیت حمله روسیه به اوکراین مخالفت می‌کند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در ژانویه ۲۰۲۳ از اسمره

بازدید کرد و تا سال ۲۰۲۴، نیروهای دریایی روسیه در مصوعه پهلو گرفتند. تجارت دوجانبه با مسکو هنوز هم اندک است، اما رشد آن بسیار زیاد است.

ردپای چین بسیار بزرگتر است. اکنون یک سوم واردات و دو سوم صادرات اریتره را تشکیل می‌دهد و سرمایه‌گذاری قابل توجهی در معدن و زیرساخت‌ها دارد. توافق سال ۲۰۲۱، اریتره را به ابتکار کمربند و جاده (BRI) وارد کرد. در سال ۲۰۲۲، دو کشور به "شرکای استراتژیک" تبدیل شدند.

با این حال، تکان‌دهنده‌ترین تغییر، در روابط احیا شده اسمره با تهران نهفته است. اریتره که زمانی نیروهایی را علیه انصارالله مستقر کرده بود، اکنون از محکوم کردن محاصره دریای سرخ توسط آنها خودداری می‌کند. در سال ۲۰۲۴، عثمان صالح، وزیر امور خارجه اریتره، در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، شرکت کرد. هنگامی که تل آویو، اسماعیل هنیه، رهبر حماس را در طول مراسم ترور کرد، اریتره این حمله را محکوم کرد.

طبق گزارش‌ها، تهران موافقت کرده است که پهپادها و سایر فناوری‌های نظامی را به اریتره، که از آن زمان کشتی‌های آذربایجانی را توقیف کرده است، ارائه دهد - و اقدامات خود را به محور گسترده‌تر ایران مرتبط کند. اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوباره به عصب دسترسی پیدا کند، ایران در موقعیتی قرار می‌گیرد که از انصارالله از دو طرف دریای سرخ حمایت کند و انتقال سلاح به گروه‌های مقاومت فلسطینی را تسریع کند. اریتره می‌تواند بار دیگر به یک سکوی پرتاب منطقه‌ای تبدیل شود، این بار نه برای ابوظبی، بلکه برای جاه‌طلبی‌های استراتژیک تهران.

پیچیدگی شاخ آفریقا

حمایت از اریتره بدون خطر نیست. اتیوپی، با جمعیتی ۴۰ برابر اریتره و اقتصادی ۸۰ برابر بزرگتر، نیز در حال تغییر جهت به سمت شرق است. چین شریک تجاری برتر آن است، در حالی که روسیه و ایران در حال افزایش همکاری، به ویژه در بخش امنیتی، هستند. پهپادهای ایرانی در سرکوب شورش تیگریا نقش مهمی داشتند.

با توجه به اینکه هر دو کشور اکنون عضو بریکس هستند، درگیری اریتره و اتیوپی، چین، روسیه و ایران را در موقعیت بالقوه دشواری قرار می‌دهد. با این حال، این نفوذ مشترک فرصتی را نیز ایجاد می‌کند. اواخر سال گذشته، ترکیه میانجی صلح بین اتیوپی و سومالی شد؛ همین امر می‌تواند در اینجا نیز اتفاق بیفتد. ایفای نقش میانجی صلح، هم به منافع اقتصادی و هم به منافع استراتژیک سه قدرت اوراسیا خدمت می‌کند.

در حالی که محور مقاومت تحت حمایت ایران در غرب آسیا شروع به بهبودی از یک سری شکست‌های استراتژیک می‌کند، تسلط و اشنگتن از بین می‌رود. پایگاه جیبوتی آن -

که زمانی نماد سلطه بود - آزادی عملیاتی خود را از دست داده است. جیبوتی حملات هوایی ایالات متحده به انصارالله را مسدود کرد و در تلاش است تا جای پای امارات را از آنجا بیرون کند و سودان به سمت ایران و روسیه متمایل شده است.

پس از امتناع جیبوتی، واشنگتن ایده به رسمیت شناختن منطقه جدایی طلب سومالی‌لند و ایجاد پایگاه در آنجا را مطرح کرد - که نشان دهنده ناامیدی در حالی است که گزینه‌هایش در دریای سرخ محدود شده است.

تغییر موضع اریتره از تل‌آویو به تهران واکنش‌های شدیدی را برانگیخته است. جای تعجب نیست که با تضعیف اهرم غرب، درخواست‌ها برای تغییر رژیم - نه به طور تصادفی - تشدید شده است. روبین، که برای موسسه نو محافظه‌کار AEI می‌نویسد، قبل از متهم کردن اریتره به تهدید متحدان سابق ایالات متحده، به حقوق بشر استناد می‌کند. هآرتس رکتز است و اریتره را به عنوان یک نیروی نیابتی ایران و "تهدید استراتژیک" توصیف می‌کند.

این روایت زمینه را برای مداخله فراهم می‌کند. روبین حتی آفورکی را با صدام حسین مقایسه می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که تغییر رژیم چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. در یک کشور چند قومیتی مانند اریتره، هرج و مرج به دنبال خواهد داشت - همانطور که پس از سال ۱۹۹۱ در سومالی رخ داد. بدتر از آن برای واشنگتن، نتیجه ممکن است طرفدار آمریکا نباشد. پس از سقوط صدام، عراق به ایران نزدیک‌تر شد.

سابقه تاریخی به ندرت نظامی‌گری واشنگتن را مهار می‌کند. اما این بار، خطرات بیشتری وجود دارد. اتحاد اریتره با چین، روسیه و ایران، نظم دریای سرخ را تهدید می‌کند. بازگشت تهران به عصب می‌تواند به طور قاطع تعادل منطقه‌ای را تغییر دهد و انصارالله و گروه‌های مقاومت فلسطین را تقویت کند. اگر تل‌آویو و واشنگتن بیش از حد فشار بیاورند، نتیجه می‌تواند غرب آسیا را تغییر دهد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

یدان سیماردونه وکیل مهاجرت و نویسنده است. آثار او در ژاکوبین، کانترپانچ و کانادین دایمنشن منتشر می‌شود.



یدان سیماردونه

----- با تقدیم احترامات «2025-06-08»

